



امام حسین(ع) به کربلا رفت تا حجت را تمام کند/ رحمت این دهه اندازه ندارد

حجت الاسلام والمسلمین جاودان با اشاره به آغاز ایام سوگواری شهادت اباعبدالله (ع) بر بهره مندی هرچه بیشتر از این دهه تأکید کرد....

حجت الاسلام والمسلمین جاودان با اشاره به آغاز ایام سوگواری شهادت اباعبدالله (ع) بر بهره مندی هرچه بیشتر از این دهه تأکید کرد و گفت: امام به کربلا آمد که بر عالم اسلام حجت را تمام کند. در مدینه به ایشان پیشنهاد بیعت دادند اما قبول نکرد. از مدینه به مکه، از مکه به کوفه و از کوفه به شام. تقریباً اکثر عالم اسلام را خاندان پیامبر(ص) در این سفر طی کردند. برای چه؟ برای اینکه بگویند ای مردم عالم بدانید من یزید را قبول ندارم. به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی جاودان از اساتید اخلاق تهران، شامگاه روز گذشته (دوشنبه) همزمان با فرارسیدن ایام سوگواری سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله حسین در حسینیة آیت الله حق شناس، در ادامه سلسله مباحث خود به بیان نکاتی اخلاقی پرداخت.

وی با استناد به حدیثی از علی بن ابیطالب(ع) تأکید کرد: امیرالمومنین علی (ع) در حدیثی که مکرر از لسان آیت الله حق شناس می شنیدیم، فرمودند: «بقية العمر لا قيمة لها قد يدرك بها ما فات و يحيى بها ما مات؛ بقیه عمر قیمت ندارد؛ به وسیله بقیه عمر هر چیزی که ضایع شده می شود احیا شود و هر چیز مرده احیا می شود.» همه ما بخشی از عمرمان را گذراندیم و بخشی مانده است. برای شما ان شاء الله 70-80 سال باقی مانده و برای ما کمتر. برای هر آدمیزادی این بقیه خیلی مهم است که امام فرمود قیمت ندارد.

وی در ادامه به اهمیت حساب و کتاب رفتار و گفتار اشاره کرد و افزود: کسی که از اول حساب و کتاب را شروع کرده، دیگر جبران خرابی نباید بکند، چون خرابی نداشته. اما آدم معمولی مثل من مشمول این فرمایش حضرت امیر که فرمود بقیه عمر قیمت ندارد، می شویم. برای چه قیمت ندارد؟ برای اینکه می توانی جبران کنی. اما متأسفانه این، چیزی نیست که من به فکرش باشم.

این استاد اخلاق یادآور شد: وقتی آدم جوان است اصلاً به تمامی فکر نمی کند. تازه اگر فکر کند، می گوید هفتاد سال دیگر اما وقتی می رسد به این سن، یک دفعه به خودش می آید که هفتاد سالگی آمد. با خودش می گوید چیزی نبود گویی که نیست. بنابراین اینکه می گوئیم بقیه عمر قیمت ندارد، برای اینکه می توانیم جبران کنیم. باید چیزهایی که فوت شده را جبران کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین جاودان با اشاره به جایگاه نماز در دین اسلام به بیان خاطراتی چند از علما و مراجع در این زمینه پرداخت و گفت: مرحوم آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی (رضوان الله علیه) سال های درازی برای نماز به یکی از مساجد می رفتند. ایشان بعد نماز، یک شبانه روز نماز قضا می خواندند. معنی این کار برای آدمهایی که بزرگترند ممکن است این باشد که فتوایشان عوض شده باشد چون مجتهد بودند و ممکن بود فتوایشان عوض شده باشد. پس تمام نمازها را قضا کرده. می گفتند مرحوم آیت الله خوانساری 3 بار تمام نمازهایش را قضا کرده. من نمی دانم این یعنی چه؟ و چطور می شود که این همه نماز را او که صبح تا شب کار داشته، بخواند. اما در شب می توان نماز قضا را خواند. دو ساعت به اذان بیدار می شد. آدم خیلی با تامل هم نماز بخواند، هر نیم ساعت می تواند نماز قضای یک روز را بخواند. پس هر شب می تواند نماز قضای 3 روز و همچنین نماز شب را بخواند. امام می فرمایند فرد باید زنده کند آن چیزهایی که مرده است. به عنوان مثال ممکن است فرد حالات خوب و خوش و صفات خوبی در اوایل تکلیف به خاطر شیر پاک خوردن و پاک بودن پدر و مادر داشته باشد ولی در طول زمان عیب کرده باشد.

ممکن است عمل قبول نشود اما صفات خوب پذیرفته می شود

وی با بیان اینکه اعمال ما ممکن است قبول شود یا نشود اما اگر صفت خوب مثل گذشت دارید، آن قبول است، تصریح کرد: ممکن است عملی که می کنم قبول نباشد ولی صفت خوبی همچو گذشت حتماً قبول است. به عنوان مثال من دستم راحت در جیم می رود. این قبول است. این بخشش است. این سخاوت قبول است. یا اینکه من از غیر خدا نمی ترسم. این خیلی قیمتی است. قبول هم هست. یک خوبی هایی آدم در باطن دارد. مثلاً ما امام حسین(ع) را دوست داریم. این قبول است. این دوست داشتن را که نمی خواهم نشان بدهم که ریا شود؛ ممکن است در روضه خدای نکرده ریا کنیم ولی دوست داشتن که ریا نیست. یک وقت انسان صفت خوبی در اوایل جوانی داشته و در طول زمان رفیق بد گیرش آمده، محل کار بد داشته و همینطور در محل کار حرف بد می زند و طرف عیب می کند در برابر این حرفها. اما یک روز انسان می فهمد که 10 تا عیب در اثر همنشینی با این افراد پیدا کرده؛ پس سعی می کند نیت های خوب گذشته را بازسازی کند. اگر کسی بقیه عمرش را به این کارها می گذراند، در

این مدرس علوم دینی با اشاره به حدیثی از امیرالمومنین (ع) گفت: حضرت می‌فرمایند «لا خیر فی العیش إلا لرجلین» زندگی برای دو دسته آدم خیر دارد. «رجل یزداد کل یوم خیرا» کسی که دائما به خوبی‌هایش می‌افزاید. نسان باید مشکل گناه را در زندگی‌اش حل کند. اگر هم 40 سال طول بکشد و بتواند یک گناهی را نکند، برده است. من اگر 40 سالم شده و توانایی یافتن به نامحرم دیگر نگاه نکنم، برده‌ام. یا اینکه من می‌توانم بعد از 40 سال دروغ نگویم و به هیچ دلیلی دروغ نمی‌گویم و به هیچ عنوان در مجلس غیبتی که دور هم نشستیم با رفقا و مردم را می‌شویریم، شرکت نمی‌کنم. این فرد از همان لحظه زندگی‌اش بدرشد می‌خورد و خیر دارد. چرا؟ چون وقتی شما هیچ گناهی نکردی، هیچ خرابی به بار نمی‌آید.

وی با اشاره به اینکه اولین تبعات منفی گناه متوجه خود فرد گناهکار می‌شود، گفت: قرآن می‌گوید وقتی به کسی تهمت می‌زنی اول به خودت ضربه می‌زنی و گناه عییش و خنجرش به جگر خودت می‌خورد. خاصیت گناه این است که اول خود آدم عیب می‌کند. مثلا من می‌خواهم به شما ظلم کنم؛ هنوز دستم به صورت شما نخورده، خودم عیب می‌کنم. اینکه می‌گوئیم آدمی که هیچ گناهی نمی‌کند، به این معنا نیست که طرف معصوم است. منظور این است که اگر گناهی هم کرد، جبران می‌کند. مثلا حرفی زده و کسی را دلگیر کرده، عذرخواهی می‌کند. خدای نکرده از دهانش در رفت و یک چیزی پشت سر کسی گفت، حلاطیت می‌طلبد. این فرد دائما خیر می‌کند.

نماز بدون گناه کردن ارزش دارد

حجت الاسلام والمسلمین جاودان افزود: شما که نمازتان را می‌خوانید اگر درست بخوانید، خیلی قیمتی است. نمی‌گویم نافله بخوان، واجب را بخوان. من مثلا از صبح تا الان مواظبت کردم و گناه نکردم. بعدش یک نماز ظهر می‌خوانم این نماز خیلی ارزش و برابرم سود دارد. این آدم زنده بودنش خیر دارد و دائما سرمایه آخرتش را می‌افزاید. ما در آخرت هیچ چیز نداریم مگر اینکه خودمان فرستاده باشیم. یعنی اگر یک ساختمان باشی و یک آجرش را نفرستاده باشی، جای آن یک آجر خالی می‌ماند. اگر یک قصر ساختی، یک قصر داری و اگر صد تا قصر ساختی، صد تا داری. شما هیچ چیزی در آنطرف نداری مگر اینکه خودت فرستاده باشی. البته یک وقتی من فرزندان خوبی تربیت می‌کنم که آنها هر کاری می‌کنند به نام من ثبت می‌شود اما باز من کوشیدم برای تربیت آنان. آنها هر کاری کنند، به نام من هم نوشته می‌شود. به عنوان مثال ما یک روضه کوچکی داریم که مال پدر و پدر بزرگ و پدر پدر بزرگ و عقب‌ترم بوده. من بعد از وفات پدر رفتم و روضه‌ها را آنجا بر گزار کردم. این هنوز به نام آنها تمام می‌شود. من دارم مثلا این مجلس را آب و جارو می‌کنم ولی به نام آنها تمام می‌شود. این را هم خودشان کردند.

خودت باعث شفاعت کردن ائمه می‌شوی

وی افزود: جد هفتم یا هشتم قبل من، یک دانگ از خانه را برای امام حسین (ع) گذاشتند اما این را هم خودشان کردند. اگر کسی در آخرت با شفاعت به داد شما برسد، باز خودت کردی. آنها برای هر کسی که شفاعت نمی‌کنند. اگر هیچ پیوندی با آنها نداری، هیچ انتظاری نباید داشته باشی. پس باز هم خودم کردم. اگر خیراتی بعد از من می‌رسد، خودم کردم. هرچه آن دنیا دارم، خودم کردم. مساله اش مهم است. گاهی مثلا از جایی رد می‌شویم، نام امام حسین (ع) می‌آید و یک کسی سلام می‌کند و من هم به سلامی می‌کنم. این یک سلام اضافه می‌شود و ممکن است قبول شود و بشود برای بهشت. می‌شود با یک سلام بهشت برایت واجب شود. کم حساب نکنید. فرمودند که کارها را کوچک نشمارید. یک سلام 2 ثانیه انجام می‌شود ولی می‌توان با آن بهشت و سعادت دنیا و آخرت را خرید. یک صلوات، یک دعای قبول سرمایه شماست.

این مدرس اخلاق بر ضرورت جبران گذشته با توجه به کلام امیرالمؤمنین (ع) تأکید کرد و افزود: دومین فردی که زندگی برایش خیر دارد، کسی است که دارد اشکالات گذشته را جبران می‌کند. این هم زندگی‌اش برایش سود دارد. اینها که عرض کردم به هیچ جنبه زندگی شما لطمه نمی‌زند. شما سر کار می‌روید، درس می‌خوانید و درس می‌دهید و دارید کار خیر می‌کنید. کار خیر عادی. مثل سعی می‌کنی نمازت را اول وقت بخوانی؛ یک صفحه قرآن و یک زیارت امام زمان بخوانی. وقتی گناه نمی‌کنی همه اینها برای آدم می‌ماند و سرمایه می‌شود. گاهی به یک دانه از این کارها بهشت می‌دهند. پس در دو مقطع زندگی سودبخش است و خیر دارد. اگر اینجوری نباشد، زندگی فرد شر دارد و برایش ضرر دارد. آدم سعی می‌کند گناه نکند و اگر آمد جبران می‌کند و این زندگی برایش سودمند می‌شود. نمی‌گویم شما بروید از صبح تا شب نماز بخوانید. نه! همین نمازتان را اول وقت بخوانید. نماز اول وقت خیلی قیمت دارد.

امام به کربلا رفت تا حجت را تمام کند

وی با اشاره به آغاز ایام سوگواری شهادت اباعبدالله الحسین(ع) گفت: امشب شب اول محرم است. اشاره ای هم به قیام امام حسین(ع) بکنیم. یک کار امام حسین(ع) این بوده که در عالم اسلام حجت را تمام کند. امام به کربلا آمد که بر عالم اسلام حجت را تمام کند. در مدینه به ایشان پیشنهاد بیعت دادند اما قبول نکرد. به مکه آمد و پیشنهاد دادند و باز هم قبول نکرد و بیعت نکرد. به بیابان و به سوی کوفه آمد و بعد از شهادتش، زن و بچه‌اش را به بخش دیگری از جهان اسلام فرستاد. از مدینه به مکه، از مکه به کوفه و از کوفه به شام. تقریباً اکثر عالم اسلام را خاندان پیامبر(ص) در این سفر طی کردند. برای چه؟ برای اینکه بگویند ای مردم عالم بدانید من یزید را قبول ندارم.

حجت الاسلام والمسلمین جاوید افروز: چرا قبول نداری؟ این که مثل پدرش با بیعت مردم روی کار آمد. پدرش و قبلی‌ها هم با بیعت آمدند. اگر بیعت قانون است، کسی که با او بیعت می‌کنند مقام خلافت را دارد. پس من قبول ندارم یعنی چه؟ امام می‌فرمودند که این جریان‌های بیعت‌های چندگانه را من قبول ندارم. این حکومتی که شما می‌گوئید با بیعت کردن می‌شود اسلامی، من این حکومت را قبول ندارم. آنها معنی عدم بیعت امام را می‌فهمیدند. ممکن است مثلاً یک نفر در خانه افتاده و برای بیعت نیامده و شاید به او کاری نداشته باشند اما بیعت نکردن امام، معنای سنگینی داشت. به همین خاطر لشکر فرستادند. آنچه که امام حسین (ع) کرده برای این است که عالم اسلام بداند ایشان این حکومت را اسلامی، شرعی و قانونی نمی‌دانستند.

چگونگی بهره‌بردن از محرم/ رحمت این دهه اندازه ندارد

وی در ادامه به اهمیت ماه محرم اشاره کرد و گفت: ماه محرم آمده. ما می‌توانیم از این ماه بهره ببریم؟ چطور می‌شود بهره برد؟ باید مواظب باشیم. باید مواظب نگاه‌هایمان باشیم. در این دهه هر کس بیشتر مواظب چشمش باشد، بیشتر بهره‌مند می‌شود. بهره‌مندی این دهه خیلی است. رحمتی که در این دهه نازل می‌شود حد و اندازه ندارد. اینکه ما چقدر از این دهه بهره‌مند می‌شویم، بستگی به این دارد که چقدر مواظب چشم‌مان هستیم و آنچه می‌خوریم و حرفی که گوش می‌دهیم و ... هرچه آدم بیشتر مواظب خودش باشد از این دهه بهره‌مندتر می‌شود. آدم می‌تواند در این دهه 100 تا بهشت برای خودش درست کند.